

مجموعه درس های تفسیری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پتال جامع علوم انسانی

* تفسیر سوره حمد

* تفسیر سوره انعام

* تفسیر سوره یوسف

* تفسیر سوره ابراهیم

تحقیق: محمدتقی چیت ساز



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

دکتر سید جواد مصطفوی در دوم اردیبهشت ۱۳۰۱ مصادف با بیست و چهارم شعبان ۱۳۴۰ در مشهد متولد شد. پدرش سید محسن مصطفوی از مدرسین مدرسه صالح خان در حوزه علمیه مشهد و استاد مرحوم آقا شیخ غلامرضا واعظ طبسی عالم متعهد و مبارز بود. جد پدری ایشان مرحوم سید حسین مصطفوی نیز اهل علم بود که از نهبندان بیرجند به مشهد هجرت کرده بود و اجداد قبلی ایشان در همان خطه می زیستند و اینها از سلاله امام سجاد علیه السلام می باشند. عموهای مرحوم مصطفوی به نامهای سید طالب و سید باقر روحانی و ساکن مشهد بودند. دایی های ایشان هر سه روحانی بوده که نام آنان به ترتیب آقا سید علی ال طه (معروف به سید العراقین) از علمای مشهد، آقا میرزا حسن معروف به اشرف الواعظین از واعظ مشهد و تهران و آقا سید مرتضی مظلوم از علمای باختران و اهل منبر بوده که اشرف الواعظین تالیفاتی در زمینه حدیث و تاریخ اسلام داشته است و این سه برادر از سادات حسینی بودند که پدرشان روحانی یزدی الاصل و ساکن کربلا بوده و در حرم حضرت سیدالشهداء علیه السلام مدفون است.

مرحوم دکتر مصطفوی تحصیلات ابتدائی و سپس متوسطه ی خود را در دیبیرستان هدایت مشهد به پایان رسانید و در سال ۱۳۲۱ موفق به اخذ دیپلم ادبی گردید. از آنجا که در سال ۱۳۱۴ پدر را از دست می دهد، تحت سرپرستی مادرش که خانمی



بسیار باتقوا و آگاه به مسائل دینی بود در آمده و همچنین از راهنماییهای دایی اش مرحوم اشرف الواعظین استفاده کرده و به توصیه آنان وارد حوزه علمیه مشهد و مشغول تحصیل علوم دینی می شود. دکتر محمد مهدی رکنی در مقاله ای که به مناسبت تدوین یادنامه ایشان تنظیم می شود، چنین می نویسد:

در سال ۱۳۲۱، که حوزه های علوم دینی تجدید حیات کرده دایر شده بود، و طلاب با خلوص و شوقی وافر رونق بخش مدارس متروک و گرم کننده مجالس درس و بحث بودند، که علائق مذهبی و روح دانش طلبی آن جوان کوشا و مستعد (مرحوم مصطفوی) را به حلقه طلاب علوم دینی کشاند، و چنانکه خود اشاره کرده از سال ۱۳۲۱ تحصیل علوم اسلامی را به سنت دیرین شروع کرد و در مدرسه خیران خان و سپس دودر و بالاخره مدرسه پررونق نواب مشهد حجره ای گرفت و نزد اساتید مبرزی که از برکت وجود حضرت رضا علیه السلام در مشهد مقدس بودند، همچون شیخ کاظم دامغانی (سیوطی و حاشیه)، ادیب نیشابوری (مطول و مغنی)، سید احمد مدرس یزدی (شرح لمعه و مکاسب)، شیخ محمدرضا ترابی (رسائل)، شیخ هاشم قزوینی (مکاسب و کفایه الاصول)، شیخ مجتبی قزوینی (شرح تجرید علامه) و شیخ هادی کدکنی (قسمتی از اشارات) را تحصیل کرد، و بدین ترتیب دروس سطح حوزه را بطور کامل به پایان رساند، و توانست جمع بین تحصیلات جدید و قدیم کند.

در اواخر سال ۱۳۳۰ در حالی که ازدواج کرده بود، به تهران عزیمت کرد تا از فواید «سواد اعظم» برخوردار شود، بنابر سنت طلبگی در مدرسه مروی حجره ای گرفت و از یک سو به تدریس آنچه آموخته بود پرداخت، و از دیگر سو در دروس خارج آیت الله سید احمد خوانساری - رحمه الله علیه و شرح منظومه، آیت الله قاضی شرکت کرد، تا دانش خود را در علوم نقلی و عقلی افزایش دهد، اما این اندوخته های علمی می بایست در اختیار نسل جوان که از تعلیمات اسلامی بسیار بی بهره بودند - قرار گیرد، تا وظیفه تعلیم و تبلیغ حقایق اسلامی انجام داده شود. به این انگیزه و هم برای امرار معاش شغل شریف تعلیم در مدارس جدید را برگزید و از سال ۱۳۳۱ در خدمت آموزش و پرورش درآمد، معلمی در مدارس دولتی حقوق اندکی داشت، ولی با وجود این بهترین شغلی بود که روحانیون متعهد و دلسوز برای تامین آبرومندانانه هزینه زندگی خود انتخاب می کردند و

مرحوم مصطفوی نیز که اهل قناعت بود همین شغل را پیش گرفت. اما همت بلند و روح طالب علمی او را به سیر درجات علمی بالاتر واداشت، لذا در سال ۱۳۳۲ به دانشکده معقول و منقول تهران (الهیات کنونی) وارد شد، و معلومات اسلامی اش را که بی شک افزون بر داشته های یک لیسانس بود، صورت رسمی دولتی داد، و در خرداد ۱۳۳۵ موفق به اخذ دانشنامه لیسانس در رشته منقول شد.



البته او به این مرتبه علمی هم بسنده نکرد و به ادامه تحصیل و تحقیق در دوره دکتری آن دانشکده پرداخت تا سرانجام در سال ۱۳۴۳ پایان نامه دکتری خود را با عنوان رابطه موضوعات قرآن و نهج البلاغه گذراند، و به دریافت درجه علمی (دکتری) که برابر اجتهاد در یک رشته علمی است - موفق گردید، هرچند از سال ۱۳۴۲ چند ساعتی در دانشکده الهیات تدریس داشت، اما تهران - با زندگی دشوارش - مشهد مقدس رضوی - کوچ کرد و از سال ۱۳۴۸ رسماً به دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد منتقل شد و تا پایان عمر پربرکتش جز به تدریس در آن دانشکده و تحقیق و تالیف اشتغال نداشت و نتیجه زندگی اش دانش آموختگان فراوانی بودند که از کلاس درسش مستفیض گشته بودند و تالیفات متعددی که مرجع فضلا یا راهنمای تعلیمات اسلامی برای عموم بود و فهرست آنها ذکر خواهد شد.

از دیگر فعالیتهای علمی آن استاد همکاری مستمر با بنیاد نهج البلاغه بود که تعدادی از آثارش نیز توسط آن موسسه علمی به چاپ رسیده است. همچنین در کنفرانس اندیشه اسلامی شرکت فعال داشت و مقالاتی در آن نوشت.

به پیشنهاد تولیت محترم آستان قدس رضوی در سال ۱۳۶۲ به ریاست دانشگاه علوم اسلامی رضوی منصوب شد و برای پی ریزی و تشکیل آن مرکز آموزشی نویناد بسیار زحمت کشید و نیز برای برپائی نخستین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام که در مرداد ماه ۱۳۶۳ برابر ۱۱ تا ۱۵ ذی القعدة ۱۴۰۴ در همان دانشگاه تشکیل شد کوشش فراوان کرد و خود دبیر کنگره نیز بود و مقاله ای تحقیقی با عنوان تجلی علوم اهل بیت در مناظرات حضرت رضا علیه السلام هم عرضه کرد.

هرچند این کارهای اجرایی را نیک به سامان رساند اما بیشترین دلبستگی آن دانشمند به تحقیق و تالیف بود و اوقات خود را صرف ایجاد آثار علمی تخصصی یا اسلامی برای



عموم کرده هنوز کتاب در دست تالیف و زیر چاپ داشت که برای عمل جراحی در بیمارستان امام رضا علیه السلام بستری شد ولی متأسفانه دو روز پس از عمل بر اثر سکت قلبی در سن ۶۷ سالگی بدرود حیات گفت: بیستم اردیبهشت ۱۳۶۸ پیکر پاکش شکوهمندانه تشییع شد و در یکی از حجرات صحن آزادی در جوار حرم مطهر علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء به خاک سپرده شد. «رحمه الله علیه»

در گذشت آن روحانی با صفا و استاد کوشا همه فامیل و آشنایان و دوستانش را بسیار غمگین کرد، و ضایعه‌ای غیر منتظره و تأسف‌انگیز برای دانشگاه برای دانشگاه فردوسی مشهد و مجامع علمی و روحانی بود بخشایش الهی بر روان پاکش که دانشمندی وارته و روحانی پارسا و عالمی سخت کوش و پرکار بود، آثار علمی شاگردان دانش آموخته از حضورش و همه باقیات الصالحات و خیرات جاریات است که نام او را زنده و برکات وجودش را پایدار می‌دارد روانش شاد باد.

در اینجا آثار قلمی مرحوم دکتر سید جواد مصطفوی - به ترتیب سال انتشار ذکر می‌شود:

کتابها

۱. الکاشف عن الفاظ نهج البلاغه فی شروحه طهران دارالکتب الاسلامیه ۱۳۳۷ چاپ دوم ۱۳۵۴.
۲. ترجمه و شرح اصول کافی ۲ جلد تهران کتابفروشی علمیه اسلامیه ۱۳۴۴ چاپ دوم ۱۳۵۲.
۳. مفتاح الوسائل جلد ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۸.
۴. مفتاح الوسائل جلد ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۵. ابعاد گسترده اسلام یا دوازده مقاله تحقیقی، تهران، کانون انتشارات محمدی ۱۳۵۸.
۶. رابطه موضوعات قرآن با نهج البلاغه، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۵۹، چاپ دوم آن با تجدید نظر توسط همان بنیاد تحت طبع است.
۷. التطبيق بین السفینه و البحار، مشهد آستان قدس رضوی، ۱۳۶۱.

۸. بهشت خانواده، مشهد، چاپخانه دانشگاه مشهد، رمضان ۱۴۰۴.
۹. الهادی الی الفاظ اصول کافی، جلد ۱، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴-جلد دوم آن توسط همان ناشر زیر چاپ است.
۱۰. انسانیت از دیدگاه اسلام، مشهد، چاپخانه مشهد، ۱۳۶۵ و چاپ سوم، تهران، انتشارات برهان ۱۳۷۷.

۱۱. بهشت خانواده، جلد دوم، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۶۹.

۱۲. نهج البلاغه ذوالفقر فی شرحه العصری، تهران، بنیاد نهج البلاغه، (این کتاب انتخاب نسخه صحیح نهج البلاغه است که مرحوم استاد آن را از بین چهار نسخه خطی که به کلام امیر المومنین علیه السلام نزدیک تر دیده اند اختیار کرده اند و اختلافات آن را با سایر نسخه ها و مخصوصاً نسخه های چاپی در پاورقی توضیح داده اند، و بنیاد نهج البلاغه آن را حروف چینی کرده و درصدد اقدام به چاپ آن است).

۱۳. العناوین الابدیة للصحیفه السجادیة، منتشر نشده، (این کتاب فهرست الفاظ صحیفه سجادیه است که استاد آن را کامل کرده ولی موفق به چاپ نشدند).

۱۴. آیات متخبه، منتشر نشده، (آیاتی از قرآن را مرحوم استاد انتخاب کرده و با ترجمه و شرح نوشته اند).

۱۵. احادیث متخبه، منتشر نشده، (روایاتی را مرحوم استاد انتخاب کرده و با ترجمه و شرح نوشته اند).

۱۶. [رساله حاضر] تفسیر الطلاب که توسط نشریه میراث قرآنی و در مجله آفاق نور به چاپ رسیده است.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

مقالات

۱. ترجمه و توضیح قسمتی از اول کتاب تجارت شرایع، منتشر نشده (پایان نامه لیسانس که در سال ۱۳۳۴ در دانشکده الهیات تهران ارائه شده).
۲. قیاس از نظر عقل و شرع، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، بهار ۱۳۵۱.
۳. ارکان فقهی و اجتماعی اسلام، مشهد دانشکده الهیات و معارف اسلامی، پائیز ۱۳۵۱.





۴. ازدواج در اسلام و فطرت (۱) مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی زمستان ۱۳۵۱.
۵. تحریر محل نزاع، مشهد، دانشکده الهیات و معرف اسلامی، بهار سال ۱۳۵۲.
۶. سعی و کوشش برای انسان، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، پائیز ۱۳۵۲.
۷. ازدواج در اسلام و فطرت (۲) مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی بهار-۱۳۵۳.
۸. مشکلات جامعه بی ایمان (۱) مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی بهار ۱۳۵۴.
۹. فهرست الفاظ و احادیث شیعه، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه، بهمن ۱۳۵۴.
۱۰. نقص قانون و انتحار، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، زمستان ۱۳۵۴.
۱۱. بررسی اسناد و مدارک نهج البلاغه، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، بهار ۱۳۵۵ (چاپ سوم موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مهر ماه-۱۳۶۴).
۱۲. نقش اخلاق در اقتصاد، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، پائیز ۱۳۵۵.
۱۳. اسلام درس برادری و مودت می دهد، مشهد، دانشکده الهیات، بهار ۱۳۵۶.
۱۴. آینده بشر از نظر عقل و دین، مشهد دانشکده الهیات و معارف اسلامی، تابستان ۱۳۵۶.
۱۵. سفسطه و مغالطه از نظر مذهب، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، پائیز ۱۳۵۶.
۱۶. محکومات اسلام، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، بهار سال ۱۳۵۷.
۱۷. معرفی نهج البلاغه، مشهد، مجله مشکوه، پائیز سال-۱۳۶۱.
۱۸. قیاس از نظر عامه و خاصه، قم انتشارات رسالت، اردیبهشت ۱۳۶۲ (مقاله ای در یادنامه علامه امینی).
۱۹. دین در نهج البلاغه، مشهد، مجله مشکوه، تابستان-۱۳۶۲.
۲۰. شکوفایی عقل در نهج البلاغه، تهران بنیاد نهج البلاغه، فروردین-۱۳۶۳.

(مقاله ای در یادنامه دومین کنگره هزار نهج البلاغه).

۲۱. تصحیح نهج البلاغه، مشهد، مجله مشکوه، بهار سال ۱۳۶۳

۲۲. تقارن حدیث و فلسفه، مشهد، مجله مشکوه، تابستان ۱۳۶۳

۲۳. گزارش کوتاه از کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، مشهد، موسسه چاپ و

انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۳

۲۴. مقام زن در قرآن و نهج البلاغه، تهران، بنیاد نهج البلاغه.

۲۵. تفاهم شیعه و سنی در نهج البلاغه، مشهد، مجله مشکوه، بهار ۱۳۶۲

۲۶. وحدت در نهج البلاغه: تهران، وزرات ارشاد اسلامی، آذرماه ۱۳۶۲ (مقاله ای

در کتاب وحدت)

۲۷. وحدت و برادری در نهج البلاغه، تهران، بنیاد نهج البلاغه، اردیبهشت ۱۳۶۴

(مقاله ای در کتاب کاوشی در نهج البلاغه).

۲۸. روش پیشوایان دین در تبلیغ اسلام، مجله مشکوه، تابستان ۱۳۶۴.

۲۹. احکام و آداب جنگ در نهج البلاغه، مشهد، مجله مشکوه، تابستان ۱۳۶۵

۳۰. تجلی علوم اهل بیت در مناظرات حضرت رضا علیه السلام: مشهد موسسه چاپ و

انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵ (این مقاله در مجموعه ای به زبان عربی نیز ترجمه

شده است.)

۳۱. سیری در حقایق التاویل سید رضی (ره) تهران، بنیاد نهج البلاغه تیر ماه ۱۳۶۶

(مقاله ای در یادنامه علامه شریف سیدرضی).

۳۲. حقوق بشر از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی بهمن ماه ۱۳۶۵.

۳۳. شیخ کلینی و اصول کافی، تهران، کیهان فرهنگی، تیرماه ۱۳۶۶.

۳۴. نیروی مافوق عقل، تهران مجله زن روز، شهریور ۱۳۶۶

۳۵. روش تربیت در قرآن و سنت، قم، مجله نور علم، دی ۱۳۶۷.

۳۶. مبانی فکری زن مسلمان درباره حجاب، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی بهمن

۱۳۶۷ (مقاله ای در کتاب حجاب و آزادی).

و در پایان مناسب است که از علائق تحقیقاتی مرحوم مصطفوی به اختصار یاد شود.



۱. نهج البلاغه

در رابطه با این کتاب مستطاب مرحوم مصطفوی چنان که خود در مصاحبه با مجله کیهان فرهنگی شماره دوازدهم (۱۳۶۴) می‌فرمایند: «چون دیدم اروپاییها مانند فلوگل برای الفاظ قرآن کتاب نوشتند و سپس فواد عبدالباقی معجم الفاظ قرآن را به صورت کامل تدوین کرد با خود گفتم مسلمانان خودشان باید آثار دینی خود را منظم کنند و تصمیم گرفتم برای نهج البلاغه یک معجم الفاظ تنظیم کنم» و این کار اولین معجم الفاظ حدیثی بود که توسط یک دانشمند شیعی مذهب صورت می‌گرفت ولی نوشتن این کتاب مقدمات علمی لازم داشت و آن هم مطالعه و تدریس چند دوره کتاب نهج البلاغه بود. ایشان خود در کتاب پرتوی از نهج البلاغه صفحه ۸۳ این سابقه‌آشنایی را چنین توضیح می‌دهند:

در حدود سال ۱۳۲۱ که ابتدای دوران طلبگی را می‌گذراندم و در مدرسه دودرب (در غرب حرم مطهر امام رضا علیه السلام) حجره‌ای داشتم، شبها برای خودم برنامه مطالعه نهج البلاغه را گذاشته بودم آن زمان نمی‌توانستم از کتاب‌های عربی استفاده کنم ترجمه‌های فارسی نهج البلاغه را می‌خواندم و مخصوصاً در اواخر شب که مدرسه خلوت و ساکت بود مطالعه می‌کردم که هر کسی باید عقاید اصولی فکری خود را از روی اجتهاد بدست آورد نه اینکه چون پدر و مادر من مسلمانند و این راه را انتخاب کرده‌اند من هم همان راه را ادامه دهم. یعنی انسان باید تمام مکتب‌ها را مطالعه کند و هر کدام را بهتر و درست‌تر تشخیص داد آن را انتخاب کند و در همین رابطه کتابهای زیادی را مطالعه کردم که از میان همه آنها نهج البلاغه مرا مجذوب خود کرد و لذا این علاقه من به نهج البلاغه به طور طبیعی پیش آمد و به همین جهت چند دوره آن را تدریس کردم یکبار از اول تا آخر نهج البلاغه آن را برای طلاب گفتم و چندین دوره هم به طور ناقص و پراکنده برخی فقط خطبه‌ها را می‌خواندند برخی نامه مالک اشتر را، برخی نامه امام به فرزندش را و متخیی از کلمات قصار و مطالب دیگر. بعد کتاب الکاشف را نوشتم که معجم الفاظ نهج البلاغه است و این نوزده هزار و نهصد و هفتاد دو کلمه نهج البلاغه را (به استثنای حروف و ضمایر و موصولات و اشارات که در مقدمه کتاب مفصل توضیح داده‌ام) با دقت و علاقه شدید مرتب کردم و یازده سال طول کشید تا کتاب به چاپ رسید.

آن زمان دوستان به من می‌گفتند که نهج البلاغه‌ای که کسی نمی‌خواند (و حتی آقایان



طلاب هم متداول نبود که به طور رسمی در حوزه‌ها بخوانند و کمتر اعتقاد داشتند) شما یک چنین زحمت زیادی روی این کتاب کشیده و فهرست برایش نوشته اید و من گفتم باید فهرست داشته باشد تا مطالعه شود و الحمدلله امروز خوشحالم که پیش بینی درستی می‌کردم و حوزه و دانشگاه و حتی عموم مردم به آن رو آورده‌اند. آنگاه رساله دکتری ام را با عنوان رابطه موضوعات قرآن و نهج البلاغه در شش فصل تنظیم کردم که علی و حق با یکدیگر ملازمت و جدائی ناپذیری دارند و همچنین یکی دو کار دیگر که الان مشغول انجام آن هستم و خلاصه انس زیاد من با نهج البلاغه در این مدت سی و هفت سال به این جهت بود که می‌بینم نهج البلاغه کتابی است که واقعاً راه زندگی پیش پای انسان می‌گذارد و تعجب می‌کردم که چرا بقیه مردم متوجه نیستند و اکنون بسیار خوشحالم که توجه می‌کنند.

سوم، تصحیح نهج البلاغه که اثری بسیار ارزشمند است مقایسه متون خطی نهج البلاغه و پیدا کردن دویست مورد اختلاف در نسخه‌های خطی. این اثر مقایسه ۹ نسخه چاپی نهج البلاغه است که سایر نسخه‌های موجود نهج البلاغه از این ۹ نسخه گرفته‌اند و از میان این ۹ نسخه چهار نسخه معتبرتر از بقیه بوده و لذا این چهار نسخه مبنای تحقیق قرار گرفته‌اند. چنان که دکتر مصطفوی در مقاله تصحیح نهج البلاغه که در بهار ۱۳۶۳ در مجله مشکوه به چاپ رسیده ادعا می‌کند اولویت دویست مورد اختلاف نسخه‌های خطی دارند که آن نسخه‌ها مبنای نسخه‌های چاپی است. به این دلیل مولف ادعا می‌کند که نهج البلاغه‌های موجود تجاوز از دویست غلط دارد. و غلط یعنی متن نسخه خطی به گونه‌ای است و متن نسخه چاپی به گونه‌ای دیگر. و لذا مولف اقدام به تحقیق در مورد علت بوجود آمدن این اغلاط می‌کند. مثلاً چهار نسخه خطی در خطبه اول نهج البلاغه جمله و «من جهله فقد اشار الیه» وجود ندارد و در همه نسخه‌های چاپی این جمله وجود دارد پیداست که این جمله به خطبه الحاق شده است. شاید این اعمال سلیقه از طرف حروف چین به خیال ایجاد ارتباط لفظی میان جملات امام علی علیه السلام باشد. در حالی که این جمله معنای درستی ندارد زیرا کسی که خدا را نشناسد که به او اشاره نمی‌کند!

مثال دیگر در حکمت شماره ۲۵۲ می‌باشد که در نسخه‌های خطی جمله‌ی «والامامه نظاماً للامه» آورده شده است یعنی خداوند (رهبری) امامان را به خاطر سامان بخشیدن امت اسلامی واجب ساخت ولی در نسخه‌های چاپی به جمله‌ی «والامانه نظاماً للامه»





تغییر یافته است . یعنی خداوند امانت داری را برای سامان بخشیدن به کار امت اسلامی واجب ساخت . که معلوم نیست این خطا عمدی یا سهوی صورت گرفته است .
 دکتر مصطفوی این اختلافها را مطرح ساخته و علت بوجود آمدن آن را توضیح می دهد .
 این اثر را ایشان از سال ۱۳۶۲ شروع کرده و ۱۳۶۶ به پایان می رساند و به بنیاد نهج البلاغه برای چاپ تحویل می دهد و عنوان آن را نهج البلاغه ذوالفقر فی شرحه العصری می گذارند که متأسفانه هنوز به دلایل مختلف به چاپ نرسیده است .
 چهارم ، تالیف کتاب پرتوی از نهج البلاغه که ترکیبی از درس های مولف در زمینه نهج البلاغه و مقالات ایشان می باشد .

۲ . فهرست نویسی

با نوشتن کتاب الکاشف تجربه خوبی در کار فهرست نویسی پیدا کردند که با تشویق برخی از دوستان دانشگاهی ایشان مانند شهید مطهری و مرحوم دکتر ایتی و مرحوم محدث ارموی قرار گرفت . همچنین مراجع قم و نجف مانند امام آیه ا... خوئی ، آیه ا... بروجردی چنان که مرحوم مصطفوی در کیهان فرهنگی (اسفند ماه ۱۳۶۴) اظهار می کنند برای کتابخانه های حوزه های علمیه خریداری کردند . سپس ایشان با تشویق آیه ا... میلانی فهرست الفاظ و سائل الشیعه را نوشتند .

نوشتن فهرست و سائل الشیعه کاری بسیار پر حجم بود . لذا مرحوم مصطفوی از دوستان خود کمک گرفت از جمله آقایان خزعلی ، جنتی ، عطاردی ، شهید سعیدی ، محدث ارموی ، سید محمود صانعی و طباطبائی ، نیمی از و سائل الشیعه را فیش برداری کردند و نیمی دیگر را دکتر مصطفوی خود به عهده گرفت . جلد اول این کتاب با عنوان مفتاح الوسائل در سال ۱۳۴۸ به چاپ رسید که فقط حرف الف را شامل می شد . جلد دوم که حروف ب ، ت و ث بود در سال ۱۳۶۳ به چاپ رسید . سایر مجلات چاپ نشد تا این که پس از فوت دکتر مصطفوی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان مبادرت به این کار نمود .

و نیز برای اصول کافی و صحیفه سجادیه فیش ها را تکمیل کردند . فهرست اصول کافی با عنوان الهادی الی الفاظ اصول کافی در ۲ جلد توسط آستان قدس رضوی به چاپ رسید و وسائل الشیعه به نام مفتاح الوسائل ۲ جلد آن توسط انتشارات دارالکتب الاسلامیه به چاپ رسید . و معجم صحیفه کامل ولی چاپ نشده است . اثر دیگر در

فهرست‌ها تالیف کتاب التطبیق بین السفینه و البحار است که مرحوم مصطفوی با نوشتن این کتاب بحار الانوار چاپ قدیم را که به آن شکل و در قطع بزرگ قدیمی دیگر چاپ نمی‌شد و در چاپ جدید قطع وزیری ۱۱۰ جلدی پیدا کرد. به صورت قابل استفاده درآوردند. یعنی شماره صفحات چاپ قدیم را به بحار چاپ جدید و با کتاب سفینه البحار مرحوم آقا شیخ عباس قمی مطابقت دادند.

۳. بهشت خانواده مرحوم مصطفوی بارها می‌فرمودند دوست دارم همه مردم در صلح و آشتی باشند و اختلاف بین مسلمانان باعث ناراحتی‌اشان می‌شد لذا این کتاب را در دو جلد و در ۸۰۰ صفحه تالیف کردند که در سطح عموم بسیار استفاده می‌شود و افراد زیادی به ایشان مراجعه می‌کردند که نزاعهای خانوادگی با خواندن این کتاب برطرف شده است. البته کتاب بهشت خانواده را اخیراً حقیر ویراستاری کرده و مطالب تکراری را حذف کردم. هم چنین مطالبی که در جلد اول و جلد دوم در یک موضوع بود در یک جا جمع کرده و روایاتی که دارای مضمون واحد بود ولی عبارات مختلف داشت یکی از آنها را آوردم. و در مورد اشعار نیز چنین کاری صورت گرفت و برخی تغییرات دیگر که در مقدمه کتاب به صورت کامل نوشته شده است.

این نسخه جدید حروف چینی شده و بنا است در سال ۱۳۸۸ به چاپ برسد. در همین رابطه مقاله وحدت و تفاهم شیعه و سنی و مقاله‌ی محکّمات اسلام را نوشتند که رویکردی به وحدت ادیان دارد. و نیز مقاله تقارن حدیث و فلسفه را نوشتند که رویکردی به وحدت دانشمندان مسلمان دارد.

۴. حدیث

برخی از آثار مرحوم مصطفوی به دلیل تسلط و علاقه وافر ایشان به احادیث شیعه و صرف سالها وقت در فهرست نویسی در شرح حدیث است که مهمترین آن ترجمه و شرح اصول کافی در ۳ جلد می‌باشد. آن‌گاه کتابهایی ساده و روانتر در سطح عموم از قبیل انسانیت از دیدگاه اسلام که اکنون با عنوان بهشت زندگی چاپ می‌شود و در موضوعات اخلاقی، شخصی، اجتماعی، علمی و اخلاقی می‌باشد. پیام اصلی این گروه از آثار استاد



رسانیدن اسلام از منابع دست اول یعنی قرآن و حدیث به عموم اقشار مردم بوده و واقعا استاد مصطفوی مشمول دعای مستجاباب امام صادق علیه السلام می باشند که فرموده اند: «رحم الله امری احیا امرنا»

در پایان باید به این کتاب ارزشمند اشاره شود که درس های تفسیر قرآن مرحوم مصطفوی در دانشکده الهیات مشهد است. ایشان در طی ۲۰ سال در ترمهای گوناگون سور و آیات گوناگون را توضیح داده اند که به خصوص از ابعاد لغت، اشارات و لطائف مطمح نظر است. و ادب حق شناسی اقتضا می کند که از جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای عبدالهیان صمیمانه قدردانی و سپاسگذاری کنم که در نشریه میراث قرآنی آفاق نور آن را به چاپ می رسانند.



والسلام

سید مهدی مصطفوی

دانشکده علوم اداری و اقتصادی

دانشگاه فردوسی مشهد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع تحقیق

۱. فرزانه ای که با نهج البلاغه زیست قم، انتشارات دارالفکر ۱۳۷۰
۲. کیهان فرهنگی سال دوم، اسفندماه ۱۳۶۴
۳. پرتوی از نهج البلاغه، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی ۱۳۷۳